

(222)

بتوسط جناب آقا میرزا فضل الله حکیم دندان ساز نیریزی
احبای نیریز علیهم بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای بندگان الهی و اماء رحمن جناب آقا میرزا فضل الله زیارت بقعه کبریا مشرف گشته و بتراب آستان نور
مبین جبین مبارک نموده و در این خلد برین بیاد شما افتاده و بذکر شما پرداخته و از عبدالبهاء خواهش
نگارش نموده و من فرصت تحریر یک کلمه ندارم پس چه باید کرد چارهئی جز این ندیده مگر این نامه را
بجمیع مرقوم نماید ای یاران و اماء رحمن هر چند شمس حقیقت از افق عالم متواری شد ولی شعاع ساطع
و نور لامع و فیض کامل و فضل شامل باقی و بر قرار هر دم پرتوی جدید از جهان پنهان میدمد و در هر
نفسی تأییدی شدید از عالم اسرار میرسد و این آیه مبارکه تحقق مییابد "و نراکم من ألقى الابهی و نصر
من قام علی نصره أمری بجنود من الملاً الأعلى و قبیل من الملائکه المقربین" پس ای یاران و اماء رحمن از این
بشارت و اشارت پرواز نمائید و از این وعد سلطان احدیت چون دریا بجوش و خروش آئید که چنین موهبتی
در کار است و دلبر چنین الطافی جلوه مینماید کمر همت بر خدمت بریندید و استفاضه از نیر روشن عالم
بالا بنمائید و بتأییدات الهی مصمم بر امور مهمه گردید و باعلاء کلمة الله پردازید تا آن کشور منور گردد و
در آن قربانگاه عشق خون شهیدان بجوشد و نشر نفحات معطر نماید مطمئن بتأییدات غیبیه باشید که
پی در پی میرسد و موقن بالطف ربانیه باشید که متتابعاً میرسد و چون چمن برشحات سحاب رحمت تر و
تازه گردید و چون اشجار جویبار انقطاع از نسیم عنایت روحی تازه یابید امید من چنانست که آن بوم و بر
پرتو آفتاب انور گیرد و آن حدود و ثغور مورد الطاف رب غفور شود گلستان الهی تشکیل گردد و گلهای
حدیقه رحمانی بشکفد بحر رحمت بموج آید و گوهر متلاً رحمانی نثار گردد صبح هدایت بدمد آن آفاقرا
روشن کند بهر یک از شما تحیت ابدع ابهی بنهایت اشتیاق ابلاغ میدارم

۷ رمضان سنه ۱۳۳۹

(عبدالبهاء عباس)